

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی – افغانستان/ جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۲۵ دسمبر ۲۰۲۴

سوریه : تدارک برای جنگ همه جانبه علیه روژآوا

موقعیت کردستان سوریه و روژآوا که بصورت خودگردان توسط نیروهای دموکراتیک سوریه (اس دی اف SDF) اداره می شود، در خطر جدی قرار گرفته است. دیدار وزیر خارجه ترکیه هاکان فیدان و احمد الشرع (محمد جولانی) رئیس حکومت جدید سوریه عمدتاً حول مسئله روژآوا و تدارک برای جنگ علیه کردستان رقم خورد و پیامی تهدید آمیز برای کردستان را به همراه دارد. این که تحولات کردستان چگونه رقم خواهد خورد، به عوامل و متغیرهای بسیاری بستگی دارد. از یک طرف پیچیدگی تضادهای موجود در منطقه خاورمیانه را باخود همراه دارد و از طرف دیگر این تضادها با تضادهای پیچیده ای در خود سوریه و منطقه گره خورده است. تضادهایی که مردم این خطه را در بیش از یک دهه درگیر و اسیر جنگ های خانمانسوزی کرده است و می تواند هم چنان ادامه یابد.

در دو هفته آخری که با پیشروی سریع نیروهای جهادی به سقوط رژیم اسد منجر شد، درگیری های شدیدی میان نیروهای تحت حمایت ترکیه - ارتش ملی سوریه - و هیأت تحریر الشام با نیروهای کُرد که در حال گسترش مناطق نفوذ خود بودند، صورت گرفت که باعث بی خانمانی و کوچ اجباری بیش از ۱/۵ میلیون نفر گشت. بیش از ۱۵۰ هزار کرد که اکثریت آنان کودک و زن بودند از شمال و شرق حلب، تل رفعت، منبج و دیرالزور در شرق سوریه برای نجات جان خود از ترس انتقام گیری نیروهای جهادی مجبور به ترک خانه خود شدند. برای تمامی جریانات بینادگرایی اسلامی و وابسته به ترکیه سرکوب ملت کُرد بر سرنگونی اسد ارجحیت داشته است! از آن زمان بمبارانها و حملات ارتش ترکیه پیوسته ادامه دارد. حتی در بحبوحه وقایع سریع سقوط اسد، تمرکز ترکیه و نیروهای تحت رهبری آن بیشتر بسوی مجبور کردن نیروهای کُرد به عقب نشینی از مواضع استراتژیک کسب نموده و کوچ ملت کُرد از این مناطق هم چون تل رفعت بود.

ارتش ملی سوریه (SNA) نیروئی تحت حمایت ترکیه است و توسط سازمان امنیت آن میت آموزش داده شده و اساساً در تمام دوران در خدمت منافع ترکیه عمل کرده است. این گروه عمدتاً از نیروهای جهادی و سربازان متواری شده از ارتش بشار اسد در سال های قبل و سربازگیری از میان پناهجویان در سوریه و جنگجویان اسلامگرا از ازبکستان، ترکمنستان، ایغور تشکیل یافته است. این گروه با حمایت بمباران های ارتش ترکیه کنترل شهر تل رفعت که صدها هزار کرد از سال ۲۰۱۸ بعد از حمله ارتش ترکیه به شهر عفرین به آن جا پناه برده اند در دست گرفته و بارها حملات وسیعی را به روستاهای منبج به منظور نفوذ در منطقه کردستان سوریه انجام داده است.

بلیکن وزیر خارجه امریکا در کمتر از یک هفته پس از قدرت گیری اسلامگرایان به قول خود برای «آرام کردن منطقه» و در واقع «اتخاذ سیاست مشترک» به آنکارا رفت. نتایج این مذاکرات فعلا «آتش بس موقت و تمرکز بروی کسب موقعیت برتر» در جنگ قدرت در حکومت جدید سوریه است. تقریبا تمامی نیروهای درگیر در سوریه درگیری با نیروهای داعش را به کناری گذاشته اند، بدان حد که داعش که تا مدتی پیش در صحراها و مناطق حاشیه ای مخفی بود به حرکت در آمده و در حال تمرکز نیروهای خود است و بخشی از این نیرو که نزدیکی به نیروهای نیابتی ترکیه دارند، در داخل سوریه مستقر شده اند. حملات بر علیه نیروهای کُرد و تضعیف آنان این امکان را به نیروهای داعش می دهد که به زندان ها و کمپ هائی که

ده ها هزار اسیر داعشی در آن ها محبوسند، حمله نموده و آزادشان نمایند و این چنین و بار دیگر بهانه "مبارزه بر علیه داعش" به ارتش ترکیه و دیگر ارتجاعیون و اشغالگران منطقه ای وجهانی دهد.

رژاوا و قدرت های جهانی و منطقه نی:

در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ داعش بخش مهمی از سوریه را به کنترل خود درآورد و در عراق تا نزدیکی های بغداد پیشروی کرد. مردم و بویژه زنان کردستان در کوبانی در مقابله با داعش حماسه آفریدند و با مبارزات قهرمانانه ای این نیروی مرتجع و بنیادگرا را از کردستان به عقب راندند و نگذاشتند تا تجربه حملات به ایزدی ها و جنایات علیه آنها، تکرار شود. مردم کردستان در مبارزات مردمی در سوریه در سال ۲۰۱۱ در پی آنچه که به نام "بهار عربی" نام گرفت با تشکیل نیروهای دمکراتیک سوریه (SDF) و یگان های مدافع خلق (YPG) کنترل بخش های قابل توجهی از شمال و شرق سوریه را به دست گرفتند و از سال ۲۰۱۶ رسماً "حکومت خودگردان شمال و شرق سوریه" را به مثابه یک ساختار حکومتی محلی ایجاد کردند که «روژآوا» نام گرفته است. اگر چه این حکومت خودگردان در کردستان دشمنان بسیاری در میان قدرت های امپریالیستی و مرتجعین دارد اما هر یک با توجه به مصلحت و منافع خود جهت گیری های متفاوتی را اتخاذ کردند. امریکا از در دوستی و حمایت از کردها برآمد. دلیل اصلی آن نفوذ در سوریه و از زاویه تضاد و مقابله با تثبیت موقعیت روسیه و جمهوری اسلامی در سوریه بود. امریکا تحت نام حمایت از کردها و مبارزه با داعش ۹۰۰ نیروی نظامی که تعداد آنها را بعدا تقلیل داد، همراه با پایگاه نظامی خود را در شرق سوریه مستقر ساخت تا هم حضور نظامی داشته باشد و هم تحولات و تحرکات روسیه و جمهوری اسلامی را رصد کند و در کشوری که هیچگاه جای پائی نداشت برای خود موقعیتی ایجاد کند. اما هدف دیگر و مهم امریکا نیز این بود که از این طریق در میان کردها نفوذ داشته و خود را به نام یکی از حامیان ملت کرد معرفی کند. از آن زمان نیز بسیاری از رسانه ها نیز هنگام اشاره به کردستان، امریکا را به مثابه حامی نیروهای کرد یادآوردی می کنند و چنین می نمایند که گویا امریکا به خاطر محافظت از نیروهای کرد در سوریه حضور دارد.

از جانب دیگر رژیم بشار اسد و حامیان اصلی آن یعنی جمهوری اسلامی ایران و روسیه، نیز در مقابل حفظ بشار اسد در قدرت، با حضور امریکا در سوریه و خودگرانی کردها در شمال شرق سوریه توافق کردند، یا به عبارتی موقتا سکوت را برگزیدند.

اما ترکیه که چاره ای جز قبول چنین تقسیم قدرتی در سوریه نداشت، هیچگاه از کارشکنی در آن و مداخله در سوریه و قلدر مابی در کردستان دست نکشید و هرگز دشمنی خود را با حکومت خودگردان پنهان نکرد و برای ضربه زدن به آن لحظه ای غفلت ننمود. نمونه های آن حملات اشغالگرانه و مداخله گرایانه ارتش ترکیه است که به کشتارهای عظیم در

عملیاتیهای "سپر فرات" ۲۰۱۶، "شاخه زیتون" ۲۰۱۸ و "بهار صلح" در ۲۰۱۹ در کردستان انجامید. در تمام این مدت تسهیلات و امکانات را در خدمت جهادی ها قرار داده است.

بسیاری دشمنی ترکیه با روژآوا را به این موضوع ربط می دهند که وجود یک حکومت خودگردان در سوریه ممکن است باعث تقویت و کمک به پ ک ک و گردهای درون ترکیه شود. در حالیکه این نکته درستی است و ترکیه از این مسئله کاملن آشفته است، اما معضل ترکیه فراتر از آن است. موضوع وجود نیروهای خودگران کرد در شمال سوریه یک مانع واقعی برای اهداف ترکیه و بلندپروازی هایش در منطقه و فراتر از آن است.

ترکیه خواستار یک نفوذ مطلق و یکدست در سوریه است و تصور می کند با بیرون راندن رژیم اسد و کوتاه شدن دست جمهوری اسلامی و روسیه از یک طرف و از طرف دیگر کمک ها و حمایت هایش از گروه های جهادی و بویژه آندسته که کاملا دست پرورده خودش است دیگر در این کشور حق آب و گل دارد و از آنجا که گروههایی که قدرت را گرفته اند "مدیون" ترکیه می باشند، باید تحت تسلط ترکیه قرار داشته باشند. و این فرصتی است که خود را به مثابه یک قدرت بلامنازع منطقه اعلام کند. ترکیه در سال های اخیر توانسته نفوذهایی در لیبی و برخی دیگر از کشورهای افریقائی داشته باشد. رابطه نسبتن محکمی با قطر دارد و هم چنین در کشورهای ترک زبان آسیای میانه و آذربایجان نیز نفوذ قابل ملاحظه ای یافته است. این در شرایطی است که عضویت ناتو را هم داراست و به آن به مثابه یک پشتیبان می نگرند. با توجه به چنین موقعیتی تسلط کامل بر سوریه که در پی آنست می تواند در توانائی ترکیه به مثابه یک قدرت منطقه ای تاثیر کیفی بگذارد. اما مشکل اساسی در این مورد وجود یک حکومت خودگران در شمال سوریه است که در همسایگی با ترکیه قرار دارد. وجود چنین حکومتی شکاف بزرگی را در این یکپارچگی که در تصور ترکیه ساخته شده است ایجاد می کند. به همین دلیل ترکیه بصورت دیوانه واری در جهت از بین بردن آن است. بر همین اساس فشار ها را از جوانب مختلف از جمله بمباران و ارسال پهپاد و هم چنین گسیل گروه های سوری وابسته به خود مانند گروه " ارتش ملی سوریه" و همچنین از طریق تهدیدات و اظهارهای مقامات حکومت کنونی برای انحلال نیروی نظامی وارد می آورد.

فرمانده نظامی تحریر شام در روز ۲۷ آنر در مصاحبه ای امکان هرگونه فدرالیسم، نوعی از اداره کشوری که مورد نظر کردهاست، را رد کرد و اعلام کرد که نیروهای دموکراتیک سوریه در اداره جدید سوریه گنجانده خواهند شد. او گفت به یک کلام سوریه تجزیه نخواهد شد و یک نهاد نظامی تشکیل خواهد شد که همه جناح های مخالف را در بر خواهد گرفت. در ادامه اعلام مواضع قید کرده است که در " هر کشوری، تمامی واحدهای نظامی باید در یک نهاد نظامی مرکزی جمع شوند". این پیام به همراه پیام اخیر جولانی در پایان دیدارش با هاکن فیدان، نشان از تضادهائی دارد که دیر و یا زود تحرک بیشتری خواهند یافت. اگر بازوی نظامی روژآوا منحل شود دیگر قادر به هیچ گونه دفاعی از خود در مقابل نیروهای وابسته به ترکیه و خود ترکیه نخواهد بود.

اما در مورد اسرائیل نیز از یک طرف در جنوب به اشغال مناطقی از سوریه دست زده است و تا توانست به پیشروی ادامه داد که بتواند نقش خود در سوریه را تثبیت کند. از طرف دیگر با حمایت های کذائی که اینجا و آنجا از نیروهای کرد سوریه انجام می دهد در تلاش است تا از این دفاع نیز سرمایه ای برای خود دست و پا کند و علاوه بر اشغال گری های زورگویانه و قلدرمابانه اش هم چنین از طریق نفوذ عمیق تر در میان نیروهای کرد دستی در سیاست های درونی سوریه داشته باشد. شکی نیست که مردم کردستان به دوستی صهیونیست های اسرائیلی هیچگونه احتیاجی ندارند. اسرائیل یکی از متجاوزین و اشغالگران وحشی است که علاوه بر جنایت های هولناکی که در ۷۶ سال گذشته در فلسطین مرتکب شده است در حال حاضر در حال انجام یک جنایت هولناک تاریخی دیگر میباشد که هدفش نسل کشی

فلسطینیان در غزه از طریق بمباران های هوایی بلاانقطاع و ایجاد قحطی و گرسنگی و تشنگی دادن به کودکان و مردم می باشد. این جنایات علیه بشریت لکه ننگ دیگری است از این خونخواران و حامیان امپریالیستی اش که در تاریخ ثبت خواهد شد و هیچ چیز قادر به پاک کردن آن نمی باشد. چگونه چنین نیروی پلید و جنایت کاری می تواند دوست مردم کرد که بیش از یک قرن است برای رهائی از ستم در کشورهای مختلف می رزمند باشد.

روژآوا و نقش آن در آینده سوریه:

با توجه به بررسی بالا از اوضاع منطقه و نقش نیروهای سیاسی درون سوریه و همچنین نقش قدرت های امپریالیستی و منطقه ای روشن است که مبارزات ملت کُرد بویژه در سوریه با مخاطرات نوینی روبروست. تردیدی نیست که مهمترین هدف قدرت های ارتجاعی در سوریه منافع ارتجاعی خود و قربانی کردن مردم سوریه اعم از عرب، کرد، آسوری و... می باشد. تا جایی که به روژآوا مربوط می شود، موضع دولت ترکیه روشن است و جنگ علیه روژآوا و دلایل وجودی آنرا را از قبل آغاز کرده است و پس از دیدار وزیر خارجه ترکیه و احمد الشرع (جولانی) گرایش و سیاست حکومت مرکزی در راستای سیاست ترکیه نیز اعلام شد. آنها بزودی تحت نام، تمامیت ارضی و مقابله با تجزیه و غیره جنگ علیه روژآوا را آغاز خواهند کرد مگر آنکه روژآوا نیروی نظامی خود را منحل و تسلیم دولت اسلام گرای مرکزی کند.

اما خطر دیگری که اهمیت کمتری ندارد از جانب نیروهای خواهد بود که ظاهرن از کردستان حمایت می کنند مانند امپریالیست های امریکائی و صهیونیست های اسرائیلی که تفاوتی در ماهیت و منافع آنها وجود ندارد. با توجه به حذف شدن کنونی روسیه و جمهوری اسلامی از معادلات سیاسی نظامی در سوریه، دو حالت ممکن است در پیش باشد یا اینکه تضاد میان ترکیه و اسرائیل و امریکا بر سر تقسیم قدرت و غنایم در سوریه بالا بگیرد در آن صورت اسرائیل و امریکا برای استفاده از کارت کردها به حمایت خود از کردستان ادامه خواهند داد. اما اگر توافقی میان این بازیگران اصلی حاصل شود که احتمال بیشتری دارد، چرا که ترکیه علیرغم شاخ و شانه کشیدن هایش برای اسرائیل و یا غرب جای مانور زیادی در مقابل امریکا و غرب ندارد و علن و پنهانی هم با امریکا و هم با اسرائیل بارها به سازش رسیده و این بار نیز احتمال سازش و توافق بسیار است. بویژه اینکه جنگ های دهشتناکتری در عرصه جهانی ممکن است در راه باشد و اتحاد با امپریالیست های غربی را ضروری ببیند. در این صورت انجام چنین سازش و یا هماهنگی، امریکا به احتمال زیاد بر رهبران کردستان فشار خواهد گذارد که در مقابل برخی امتیازات محدود از جمله چند پست حکومتی و یا خودمختاری فرهنگی و یا امتیازاتی از این قبیل حکومت خود گران و نیروی نظامی خود را رها کنند.

در چنین شرایطی عملکرد و برخورد رهبران کردستان سوریه تعیین کننده خواهد بود که در مقابل چنین احتمالی، آیا با اتکا به توده ها و سنت های مبارزاتی مردم کردستان در مقابل نقشه انحلال نیروی نظامی و حکومت خودگردان روژآوا خواهند ایستاد و یا اینکه به آن تن خواهند داد. اگر کار به تن دادن به چنین شرایطی بیانجامد در حل تضادهای ریشه ای و ساختاری ملت کُرد قدمی به عقب خواهد بود و زنجیر های ستم ها بر ملت کرد در سوریه محکم تر خواهد شد و تجربه خیانت ها در کردستان تکرار خواهد شد. نامه اخیر الهام حمید یکی از مقامات ارشد روژآوا به ترامپ برای کمک در مقابل حمله ترکیه به کردستان سوریه بیانی است از تمایل رهبران روژآوا که نشانه مثبتی نیست. ملت کُرد در سوریه، عراق، ترکیه، ایران و حتی بخش کوچکی در آذربایجان (منطقه لاجین) تاریخ مبارزاتی عظیمی را در نبردهای متعدد تا حد تشکیل حکومت های انقلابی با خود حمل می کنند. اما متأسفانه فروکش کردن خط انقلابی در عرصه جهانی و غالب شدن خطوط انحرافی و ارتجاعی بر اکثر جنبشهای مردمی، مانعی در مقابل کسب حقوق واقعی ملت کُرد

بوده است. انحرافات که ابعاد عمیقتری بخود گرفته است. بطور مثال «دشمن دشمن من دوست من» است بطور خاص نقش مهمی در این انحرافات داشته است و بسیاری از آن دسته از روشنفکران کُرد وابسته به طبقات بورژوا که آرزوی برقراری مناسبات وابستگی و کمپرادوری با کشورهای امپریالیستی را در سر دارند، به اسرائیل به مثابه یک کشور دوست می نگرند و حتی تا سطح تئوری بافی پیش رفته و تلاش می کنند تشابهاتی را میان ملت کرد و یهودیان بیافرینند. مثلاً تشابهتی از این قبیل که هر دو از داشتن یک دولت محروم بوده اند. آفریدن چنین تشابهاتی تنها بهانه ای برای تسلیم شدن است. در حالیکه یکم یهودیت یک دین است و نه یک ملت. دوم، اسرائیل یک دولت اشغالگر و مربوط به جنبش ارتجاعی صهیونیستی است و ربطی به یهودیت ندارد همانگونه که بخش بزرگی از یهودیان جهان از آن دوری جسته اند و سوم اینکه صهیونیست ها تنها با سوء استفاده از هولوکاست ستمی بی نهایت سبعانه را علیه مردم فلسطین اعمال کرده اند و سرزمین شان را با روش فاشیستی اشغال کرده اند و هیچ شباهتی با موقعیت مردم کردستان ندارد.

واقعیت این است که مردم کردستان و فلسطین نقاط اشتراک بسیار بیشتری را با هم دارند حداقل از این نظر که توسط امپریالیست ها از حق تعیین سرنوشت محروم شده اند و حق داشتن دولت از آنها سلب شده است. آنها مورد ستم واقع شده و کردها تحت اشغال دولت های حاکم در ایران، ترکیه، عراق و سوریه بوده اند و فلسطین تحت اشغال دولت های عثمانی، استعمارگران انگلیسی و حالا بشکل فجیع اش توسط اشغالگران صهیونیستی اشغال شده است، نقطه اشتراک دیگر اینکه هر دو برای رهایی از ستم پیوسته مبارزه کرده اند و تاریخ مبارزاتی آنان در منطقه حماسه آفرین بوده است. بنابراین نقاط مشترک بسیاری میان این دو ملت و احساس همدردی میان آنها وجود دارد اگر چه مرتجعین منطقه به همراه امپریالیست ها پیوسته در راه ایجاد اختلاف میان آنان نقش بسیاری داشته اند.

این اختلافات مصنوعی به تفکرات انحرافی و ارتجاعی از جمله تشابه سازی ها میان ملت کرد و صهیونیستهای اسرائیل و همچنین "دشمن دشمن من دوست من است" دامن زده و راه را برای رهبران پراگماتیست باز کرده است که ابائی نداشته باشند که با اسرائیل از در آشتی در آیند. و اسرائیل را دوست مردم کردستان جلوه دهند و بر ستم ظالمانه ای که بر مردم فلسطین روا می رود چشم ببوشند. نمونه آن اقلیم کردستان در عراق است که چنین سیاستی را پیشه کرده است. رهبران اقلیم کردستان عراق علیرغم اینکه چنین سیاست و نزدیکی را رسماً اعلام نمی کنند اما به نوعی کردستان عراق به یکی از مناطق فعالیت ماموران اسرائیل مبدل شده است. حتی پ ک ک که سابقه حمایت از جنبش فلسطین را دارد و بنیان گذاران آن در فلسطین توسط مبارزین چپگرای فلسطینی آموزش دیده اند، انعطاف غیر قابل توجهی نسبت به فلسطین از خود نشان داده اند. مُرات کارائیلان فرمانده نظامی جناح نظامی پ ک ک در سال ۲۰۲۰ در برخورد به "توافقنامه ابراهیم" به یکی از رسانه های اسرائیل گفت که "او از حق اسرائیل و فلسطین برای تشکیل دولت حمایت می کند و او هر گونه توافق صلح عرب اسرائیل را مورد حمایت قرار می دهد." "انسنتیوی صلح کردستان: متو پتی ۱ دسامبر ۲۰۲۳" حمایت از توافق نامه ابراهیم! و این در شرایطی است که "توافق نامه" ابراهیم در جهت حذف کردن هر گونه دولت فلسطینی بود که حتی عربستان سعودی تشخیص داد علن در آن شرکت نکند.

آنچه مسلم است دولت ترکیه و حکومت جدید سوریه که در آن نفوذ دارد نه تنها به فشارها و تهدیدها و جنگ های ایدائی علیه کردستان و روژآوا را آغاز کرده اند بلکه در تدارک حملات جدی تر و همه جانبه ای هستند. مردم کردستان و روژآوا مبارزات سختی را در پیش دارند و حمایت مردم منطقه و سراسر جهان را می طلبد. شکی نیست که اینبار دامنه مانور بسیار تنگتر گشته و اتکاء به قدرت های بزرگ و در این مورد بخصوص اتکاء به امریکا بی نهایت خطرناک تر از گذشته است. چرا که احتمال سازش امریکا با ترکیه و تائید سرکوب های آن از جانب امریکا بسیار بیشتر شده است و

گرایش و اتکاء به اسرائیل و به اصطلاح استفاده از تضاد " اسرائیل و ترکیه" افتادن در چاهی بسیار عمیق تر و گودتر خواهد بود.

آنچه مانع اصلی شکوفائی جنبش انقلابی از جمله در کردستان بوده، رشد خطوط رفرمیستی، پراگماتیستی، ارتجاعی و تفکراتی مانند « بدون اتکا به قدرتهای بزرگ نمی توان از چنگال قدرت حاکم رها شد» و یا « دشمن، دشمن من دوست من است»! می باشد. ضروری است که نیروهای انقلابی و کمونیستی در عرصه جهانی و براین اساس در کردستان علیه این نظریات و جهت گیری های مسموم به مبارزه بپردازند و مسیر انقلاب و اتکاء به نیروی توده ها را در مرکز کار خودقرار دهند.

انقلاب تحت رهبری کمونیستهای انقلابی در افغانستان، ایران ویا ترکیه و همچنین در کردستان پتانسیل آن را دارد که نقشه خاورمیانه را به نفع وزنه انقلاب در منطقه تغییر دهد و مسیر جبران این کمبود استراتژیک را باز نماید. در پروسه تدارک برای سرنگونی بنیادگرایان اسلامی در ایران و افغانستان بمثابة حامیان بنیاد گرایی، تحت رهبری نیروی پرولتری ضربه ای بزرگ به کل بنیاد گرایی و سرمایه داری امپریالیستی در سراسر جهان خواهد بود و بدون شک حتی قبل از کسب قدرت سراسری ، تاثیرات عظیم در منطقه و کل کردستان خواهد گذاشت و ضربه ای جدی بر مرتجعینی که در صدد به انحراف بردن مبارزات توده ها می باشند، خواهد بود.

جمعی از کمونیست های انقلابی – افغانستان

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران

۳ دی – جدی ۱۴۰۳